



۴۲۹۴



خطی - فهرست شده

۲۶۷۲





کتابخانه مجلس شورای ملی	نمبره دفتر ۷۸۹۷ ۱۸۹۷
منجمله کتب خریداری حقه	جلد ۳م
۳۹۷۰	

۸۱۱

بازدید شد  
۱۳۸۲

۴۲۹۴

بازرسی شد  
۳۶ - ۳۷

لجاری  
ترجمه برز اوین خان از فرزند

کتابخانه  
۳۶۷۳

بازرسی شد  
۲۶ - ۲۷

لجاری  
ترجمه از ادبیات فارسی

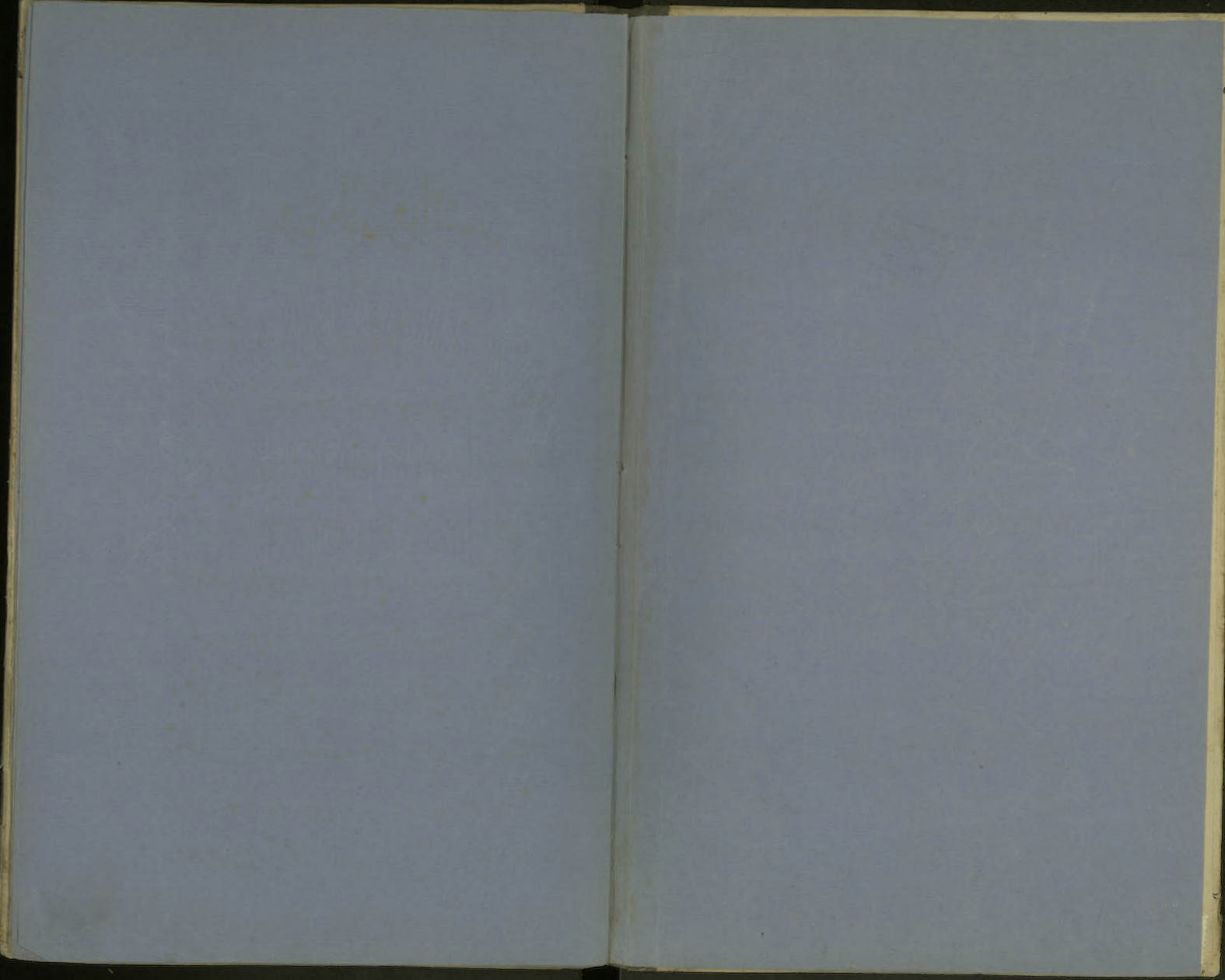
۴۱۲۲  
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

۷۸۹۷  
نمبر دفتر ۱۸۹۷  
کتابخانه مجلس شورای ملی  
مجله ۳  
منجمله کتب خریداری شده  
۳۹۷۵

بازدید شد  
۱۳۸۲

۴۲۹۴

کتابخانه  
۳۶۷۳





## من نامه فرانس

کران دوکن ولادیمیر در زمان توقف پاریس کوفه محبس مانرا  
برای تات رفته بود میولا تنون مدیر محبس تاتزاده  
منزله را پذیرفته شده لایحه احترام را بعلی آورده و برای  
تات منقبات مختلفه محب هم آتش کرده و همجای  
این مکان وسیع بلکه هزار و چهل و صد نفر مجبوی دارد  
بوی نموده بود مانرا بر چهل و صد نفر است وضع  
و قفل و بستر آنرا که ندارد و همین وضع اسباب حیرت  
شاهزاده نموده ولادیمیر بایک از اسرا مصداق  
استان بود دوسه لجه بزبان روسی سوال و جواب نمود  
در مطب حکیم بیه محبس قاتر ایس ادم را بنظر آورد

و از همیگر و میولا را وحیرت نمود پس از دو ساعت  
آتش و تحسین استقامت جمهور فرانسه بیدر مر نور مصطفی

کرده پرون رفته بود عثمان

در اشم توانا میرزا اسلامبول خبر رسیده تمام این مقصود  
جن خسته کردن است حضراتی کوچک خانواده  
سلطان بر پا بوده است که از جمله سلیم افند بر بزرگ  
سلطان حلیه علیچافند و شوکت افند بر بزرگ  
سلطان علیغریخان مرحوم ابراهیم یوسف افندی  
پیرت تاتزاده برهان الدین افند مرحوم این جن  
در عمارت دایره بر پا کرده بودند بعد از این است تاتزاده  
و سراق این جن خسته تاتزاده بزرگ اسلام است

در مدینه و دولتر و قنارایام و غیره قریب و نه را  
 چهار صد طفل را حشمت کرده بودند بقای این  
 جن منته است و امانت و هفت تمام است  
 در وجد و سه و رجه است و از برای این که از خزانه  
 مخزنج پیاپی بر مصرف این کار میرسد است سفر کرده  
 منته است و اطعام طعامهای قیام می شده است  
 لکن این دفعه بطور قیامت این جن را بر پا کرده اند  
 سلطان از مخزنج شخص خودش سر هزار لیره که معادل  
 هفت دو پنجاه تومانی پول ایران است برای مصارف این  
 داده است تا زمانی که این اطفال بقتی بجهودی از حیات  
 و نقاشی و هر گونه اند چسبند و جانشان بر عهد  
 امنی سلطان است بهر یک از آنها البته نزهت و تفریح  
 و از برای هر کدام در هر محله بوده از باب جنس از نوک

و لغات دیگر فراهم آورده و بنده این حشمت در مجلس عده  
 بوزرا و اعیان و وکلای دول خزانه خورند شده است و در  
 بنده این مجلس خود سلطان حضور داشته است و صحبت با  
 بخت میداده است و این قدر دفعه بود در سرش می سفرای  
 دول خزانه حضور داشته اند سفیر ایران در طرفین سلطان  
 نه است و در طرفین سفیر اطلال دیده اند این سفیران  
 اول و سرچین اولان اینتر نهاده داشته اند بعد از صرف شام  
 سلطان هر سفیر را در اطاق مخصوص بزمه مید  
 در اول ماه محرم که سال اول سلطنت است از جانب چپ سفیری  
 خارجه بتوسط سرچین این عرض آئین بزم سلطان

از مخزنج و قناریه عده با سلا بول خبر رسیده بود که ناخوش و  
 در میان حج کثرت تمام داشته است حضور در عید قربان



که در آن روز بخصوص نوزده نفر از حج بان مرض و فوت  
کرده بودند و اخبار فظیفه مصر چنین صلاح دیده آن  
که در دو نقطه قرآنین گفته که در بندر تور و یک در حال آن  
در بندر تور پانزده روز و دو نقطه دیگر بخروج حج را نگاه دارند

ایر آل سیرتون ما سردار کشتهای انگلیس در این در میان  
با سلامبول آه و بنیرت سلطان ریده است پس از حضرت  
مرحمت کرده است و کشتهای خود را بخیزه مالک برده این متنازا  
در آنجا آفات غایب

طهران

کاغذ از علق آباد مورخه دهم اکبر رسیده که مضمونش از فتنه  
شرح ذیل است کینه افان ایرت نام غلیظه خطاب

بسیار در روس بوده بسیار در روس داده بود مضمونش  
این بوده که اولاً از استیلا انگلیس و ایامه دارد و میخواهد خود را  
تحت حمایت روس در آورد و نوکران روس شود  
ثانیاً این مردم هندوستان با انگلیس دشمنند و او میخواهد  
و پنج هتمن معظم حاضر و مینا شورش و بخواهند فتنه  
که نمیکند قوت روس بکرات رسیده که به بلو اعرام بنی  
مال پند به یعقوب خان اعتماد بکشید و او را در افغان  
بکشید چرا که او با بعضی است قهر انگلیس است همین است  
چهار سال قبل با راستی نوکر و حمایت روس  
کرده و بهر ضرت اعتنا نموده بود از فتنه خبرها  
در دست نزد اکبر رسید مقرر شد فتنه کماست روس  
در هر است است کاغذ یکجا است روس در مشهد نوشته  
و این کاغذ بهر است بهترین کوشش هر است فتنه مقرر شد فتنه را

جس کرده اند و قصید و آه را بجا نوشته اند  
مقطعات پنج پخته

## بلیک

در قلمرو در این روزنامه نشر داده اند کتبه های از کتب  
در دنیا مختلفه منقود و عر شده از قلم شرح و تفسیر

## کتبه های مادی

المان	امریکا	انگلین	برزیل	دانمارک	اسپانیا
۸ فروردین	۹ فروردین	۱۰ فروردین	۱۱ فروردین	۱۲ فروردین	۱۳ فروردین
فرانسه	یونان	بلژیک	ایتالیا	ترکیه	پرتغال
۱۴ فروردین	۱۵ فروردین	۱۶ فروردین	۱۷ فروردین	۱۸ فروردین	۱۹ فروردین
روسیه	سوئد	نروژ	دانمارک	اسپانیا	پرتغال
۲۰ فروردین	۲۱ فروردین	۲۲ فروردین	۲۳ فروردین	۲۴ فروردین	۲۵ فروردین

## کتبه های محلی

المان انگلین بلژیک اسپانیا فرانسه  
بلژیک برزیل دانمارک

## مصر

کاغذ در ۲۵ ماه سپید از سهند معروف به بوم  
کشته به خط کرده بود بخند مصر سیده و این بلبلی  
جس از هر رجوع کرده بودند تا جوابی در روان بقاعده علم نبوده  
مضمون کاغذ این بلبلی است

باید اعتقاد کنید که خدا خلاف مصلحت را بمن عطا کرده است  
و به پندیر اگر من خبر داد که من محض رسوای دهم خدا از برای  
حفظ و حرمت و لگت نه ملائکه و پندیران و اوصیان آنها  
و ارواح متعین کشته ما را از آدم الی قلم سیده داده است  
مصرف از غدا و نیک اعتقاد ان از حوض و تسمین و محبو



در روز جنگ پیغمبر اکرم سردار کرم خویش بود  
 خدا شمشیر ظفر و نصرت را بمن داده و پیغمبر اکرم بمن فرمود  
 که اخذ بر من علیه نخواهد کرد و چون دهن تبت مرا خواهند  
 نمود و نیز بمن فرمود که خدا بتو یک عداوت مخصوص داده است  
 که هر کس تو را ببیند خواهد است محض رسو و عود بجای آورد آن  
 عداوت بمن است که من در کونه رست دارم یک عداوت  
 دیگر نیز هست منف و آن این است که علم نور غریب در چون  
 میکند و در هر جنگی با من همراه است حصن پیغمبر بمن فرمود  
 که تو از نور قبر من جلی شده مردمان مسلم را بجهنم آتش  
 میکنند من محض رسو و عود آم و بی بر خلاف آنچه در  
 و جیفه پرت کند من خواهم بود و همان آثار سبب  
 اضمحلال او خواهد شد نیز حصن رسول صلی الله علیه و آله  
 آنچه که در آثار پیغمبر خدا الی الله کرده اند و سبب پیغمبر شده

دوستان من قطعه کون خواهند بر اختیار که با  
 من محض است خواهی و نیز از خیر و دنیا محروم شوند  
 مال و منال و اولاد آنها نصیب مسلمانان بطن خواهد شد  
 و نیز حصن رسول صلی الله علیه و آله بمن فرمود دوستان  
 دوستان من از واپسین تو ربه خواهر از عده مشرک عبد  
 و غیره را دله ایروند که انصاف من این خطاب من  
 مطیع شد بطور قطع و یقین باینست که خدا در مقام اضمحلال  
 دولت عثمان را برآمده است تا اینکه مسلمانی حقیق جلوه کند  
 و ما را است را خدا قطع کرده است و از تسلط آنها را  
 محروم نموده است عثمان خود نظر پیغمبر بنا فی و شری جلوه کرده  
 چرا که اکتفا میخواند در طاعت او خند اکو شده اما  
 سکت آنها باشد و پای مان کند بخواست خدا  
 جامع مگور پس از مطاعه این کاغذ و مذاقه تمام مکن این دعا

و این عتقاد شده جواب مقتضای برداشتن نوشته نه بعضی  
گفته اند این قابل اعتنا نیست و جواب دارد

جامع الازهر معروف است و بهمان استهرا قریب باقی است  
از همه جا بردنیاجب مع منبور از برای تحصیل حکم الهی و فقه  
می آیند عدد طلاب این مدرسه بقاوت از ده هزار است  
السیزده هزار سال دوازده هزار و پست و پنج نفر فقه  
و دولیت و از ده نفر مدرست شش هزار و پانصد نفر  
از طلاب منبور به تحصیل نه باب شافعی مشغول شده  
چهار هزار نفر از آنها به مذابک و هزار و پانصد نفر  
به مذاب خف میست و پنج نفر به مذاب خف میصد نفر مدرست  
به تعلیم مذاب شافعی و هفتاد و چهار نفر مذابک و ستر و هفتاد  
حق و کیف تحصیل آباء قرآن دوم از هجرت  
این تباین مذاب در میان نبود در اواسط قرن سیزدهم

این اختلاف بهم رسیده و این چنین گفته ابوحنیفه و ابی  
و ثفر و خنیز باشند رئیس این چهار مذاب شده اند  
بقید عنایت با مذاب مذاب جامع الازهر علاوه بر طلاب

در مدرسه هستند جمع گیرنده نیز از خارج مدرسه در وقت خل  
در اینجا حاضر شوند فائده طلاب بکنند جامع منبور همان  
چهره است از اوقاف خود مدرسه به آنها میرسد در سعه  
در این مدرسه گفته می شود چهار قسم است اول حکمت و الهیات  
عبارت از حکمت الهیه و اولیات قرآن و حکمت جسمیه  
پنجم صراط الله علیه و الله و روایت میگویند مکتبه  
سه نسخ و صرف از غیر درین جامع غنی از علم و فقه  
قرآن و فقه طلاب را درین مدرسه مجاور میکنند

مجاور اول شروع در صرف و نحو می نمایند و قواعد آنها را  
حفظ میکنند و بعد بحديث و آداب نماز می پردازند پس



این عقیقه سهوشده است بهیچ در قزوین

از علم قرات و فقه فارغ شدند حکم مرا فقه و مری از قری  
بزرگ میگردد ایامه فقه و مصلو که و الله سکنه صلیح  
فرمان مستند و باین علم خود خیر دنیا و آخرت را  
از برای خود و تصور میکنند

### روبر

ماه گذشته در تقویم عید میسر استن بعد سه و در لافرا  
و جن استن بر سیون بر پا کرده بودند سه و در لافرا  
و با کادی پوچالین معروف است از جهت قدرت بنا به از  
لافرا پوچالین هر کیفیت و در سینه سحر باشد است  
در سینه کشتن سید پوچالین صلح و منقاد و مسموم شدند  
و احمق داشت را بنصار استخوان بهیچ کردند و لای  
در لافرا عام لهستان ۱۸۳۱ اینها نیز توشش کرده عقیقه

و آبادتر نموده بود این کلیه می میستم نیز شریک  
کلیه ما قریم و سایر بیدار مانده قدم در قفا ز کتب  
بیرانیتنا نباشده است

پرویز

اجرا رسد است مزاج و بهبودی مزاج پرنس زمارک صدر اعظم  
امان روز بروز برتر و فاسد تر میرم بواسطه تعریف  
موا و با اصطلاح سرما خوردگی مرض سخت تر شده ویرقان  
شدیدی عارض شده است در صورت صدر غم  
تعمید نول در برن نیستوان دیدم اگرچه نزدیکان خود  
پرنس شجرت داده اند و دست زده در قفس ریختن  
حضور بهم خوانند

دولت روسیه پس از فراغ ارجش و فیت لیت بنا  
این کشت را از بند نر بور پران کرده و کشتان ارغوان  
محبب ای بر ایش در وی سکن نمود دیر سیون و قمر  
در قفس آرزو مرث و عمارت آن نام شده است بنای  
از قن انزدهم شده پایا و بنوه ایست در سینه الی شسته  
و احسان کورغا سون بنا کرد و عمارت و مسجدش  
الی شسته در عهد سلطنت او را سراسر با تمام پرنس  
خوابها و صدمات بواسطه خوابها و صدمات وارده بود  
تفصیل لای وارد آمد بقصر دولت روس در آمد در شسته  
در زمان حکومتش نهاده فروت زف در صدمات  
و اصلاح برآمد و با تمام نام بعد اصلاح خوابها  
بست پرنس کارگاهین شده خودش هم میبود و نام  
و ام مرض کار بدست خود در مسجد کار کرده بود کتفا



پایان

در همه شهرها و بلاد عید سال چهارصد و شصت و شش  
 عظیم بر پا کرده بودند و در مجلس عیدیه شیطان کشیده و مرد  
 دعوت بصرفت شام کرده بودند و حج گشایر و طاق مفضی  
 و مضمونش تعداد فتنه و سابق این سخن چه در همه او آمده  
 و فواید را بر آرد و پس از اینها چون که از سر برگشته  
 و فواید را بر بخشیده اند و کرده اند

برگشتن

سیو گستر وزیر امور خارجه روس قیام از کربلا  
 مفضل و شروعی بکنت دماز فله کرده و به اتفاق  
 بخت و امید رفته و از آنجا هر یک به اتفاق حضور پرآورد

شرف شده بودند و وزیر معنیه شام را هم در دست  
 امیر امور صرف کرده بود معلوم است این مصفت  
 وزیر امور خارجه روسیه به پروس عاقل برابر گشت  
 و عیادت دخترش بوده و در این فطورا که مرتب بود  
 و پوکیت این سلطان قوم و خویش آنها را میزد و لایه  
 عاقل صل برودت بین این جهت را متعین کارها  
 و ملاقات کرم بزم برین این لایه هم بطور قطع گشته  
 این دو امیر تورانم حیات و در کجا نشسته و درین  
 و فتن ضحیت بین در کارها

انگلیس

از همه دسترسایه غلبه همه در سودان اسباب خال  
 و کار را انگلیس شده و مصر را بکلی تسلط کرده است  
 انگلیس از غلبه مصر بکلی خالی از منفعت شده است هر چند درین

اصحابی ندارد که این سید زاده کن و آفت بزرگ  
 متهم و قوتش باشد نزدیک بود بخوابد بصر را با او  
 خیزد و خود پادشاهان بود و قلمه صحرای

قوت محمد در بروج چهار رهنم سینه نهاده تجاوت  
 در میان قوت بصر و زوال میسر سردش بود چهارده  
 صاحب منصب گفته بوده در تشریف داشت و در ازده تفرش  
 انگیزش بوده از این سینه گفته اند در به نظر مرض در آن  
 خیزنده بان بر برده و گفته انگیزش در خروید و بخانه  
 مجروحین تعداد شده است بقرکه شده

از جمیع ازده زوال میسر و تصرف قوت محمد در ازده  
 (در خیزه در ازده ازده الی پانزده نهاده قوت) کجای بوده  
 و گفته روزی هفتاد رسیده که محمد در تصرف تمام  
 سودان و مصر سفلی و غم نخواهد کرد و قلمه بصر خیزد

چند سید پاشا که انگیزش در لندن کن است برود  
 نگاران انگیزش در لندن گفته بود از این آفت بایطین  
 اگر پسر دیگر مرا و الی سودان بکشند و ستم الی سر بر آفت  
 و در خیزه و چندی تفر از سرداران متعبر را بجهت  
 روانه نمایند و در وقت کار بکشند و الی دیگران  
 از پیش میزد و محمد از هیچ کس قوتش ندارد مخصوصا  
 عداوت با طغیان عثمانی و سلطان عثمانی را بر ملا میگوید  
 و در خیزه الی در بلو قوتش در اویش بخوبی به پرده  
 آنها بکشند و بکشم خدایا و دفع عثمانیها ما موریم و جلوما  
 هیچ دریا و کوه را نگیرد و نظام مهند و توپخانه  
 متعبر و اعتبار این سید نهاده قوت همراهش عالی بکشی  
 اعلا دارند و آتش خنایا سستیر کجای میزد



## روس

در روزین بطرز بوزخ نوشته اند این روز را خیال نهان  
 جمعه در صد دفع وقت است برآورد برآمده بودند و ایشان  
 در بزو با کفار قوت گرفته بودند آشکار شده و بعضی از آنها  
 دستگیر و کشته شدند این آنحضرت صلی الله علیه و آله  
 و تنفس و کینه از این دربار بوده که با هم درین کار محبت  
 شده بودند که ازین آنحضرت درین او را ازین کار آدم  
 شده در غیب و مختار رفتن بکعبه کجاست بطرز بوزخ  
 از اراده خود در وقت شش صبح و آنحضرت را در کون دشت  
 بوقت شش و کشته و صورت اسیر بر آستان را بوی  
 داده بود چند نفر از آن دستگیر شده و غیبان و نه  
 اختیار کرده اند که در باراجون در اختیار چنان  
 اسرا زنده داشته و مجبور بر نجات و اسیر آنها بوده و بک

در دوسه سق ارتکاب رفتار از نیت خیال نهان کرد  
 بود قدر نکرده اند خط از کشته شدن و از آمدن  
 بر روی ممنوع شده است

در بطرز بوزخ احراج چراغ کرده اند در قهر و با بطرز  
 خود در برده را تحمیل شده و این بار برید کردن کشتهای  
 غرق شده بکارت اگر چه اسباب را بقتل نیز بکلی  
 شده بودند و بواسطه آن که کشته غرق بکلی و اطفال را پیدا  
 کرده بودند و این کمال نموده و این صند را برآمده

## اسپانیا

تقصیر ورود و لیبیدان بکشته و الان کشته که برین  
 منتهی در نوشته بود و ارد بند و الان کشته  
 اسپانیا و دو کشته احرام روس صفت کشته و این کشته

مامورین که از طرف پادشاه اسپانیا برادران و بعضی  
 بختیار و بزرگوار بود و با بختیار استقبال کرده گفتند و بعضی  
 در او جبار و دشت جواب شکیبای حرام یا سبایانها و  
 تو بختیاران شهر را داد پس از آن و بعضی همان در این  
 زمین سینه را پوشیده بود و در آن متعین و در این  
 زمین و در زمین بختیار بختیار و در میان بختیار  
 شهر باغچه و اعیانان و گفت مامول تقدیم نمود و در آن  
 و حشر و طبع و این اسپانیا بودند دستیار و در زمین  
 برادران و از آنج بولمعه و او در دست مامول و این  
 زقیان و قبول کرده و مامول را سر و دست و بختیار  
 سر و دست بهار حاکم قدرت مامول و دست و  
 در سر و دست می نشست و نه کرده بود و از وضعیت م و  
 مامول و حاکم و مامورین مخصوص پادشاه داده



ولمید نایل شد در روی پله های عمارت چینه ها و بنی  
و نوا ده سلطان با سها غریب و عجب زبان قیام  
خودشان صف کشیده بودند پادشاه و ولید را به  
تأش می البسه خود چند لحظه مشغول بودند مکه اسپانیا و  
سایر خوانین محترمه در درب اطاق نشیمن و ولید را به  
نمودند از قلم خبر سر و دست در جمع که با عیان شهر  
دارید داده شده است و ولید دوا رده رفردان  
شهرینه امه قلم سباب بحج و بنیاط از برای مهر نامه  
فرام آورده بودند و در وقت که ولید به بعضی از ایالت  
اسپانیا برود و ولیدان با حضور اعزّه و عیان پادشاه  
این مضمون را در خطابه اشرا داده بود که من بهانه برای  
باز ویراقوش دو از دهم پادشاه امده ام و نیات  
امپراتور پر مرا بحی را آورده ام مکه از عوض عیال

و خودم مخصوصا برین مکتب اسپانیا و قلم محبت  
اسپانیا امده ام امیدوارم ان دین با محبت مرا از  
روی محبت و و داد استغفار خواهد داشت بهانه

## روبر

صاحبان عا کر چرخ اوران بورغ آجی از لفره  
خام و قاپ به نه لیور وزن و سه رلیع ارش قطن  
و در و ربا قه از لفره مصقول در لیه آج قرار داده  
و برکت سیایش میا کرده اند این عبارت را نوشته اند  
این آج پختیر قصیر شهید است و قوتن چرخ اوران  
بورغ تقدیم کرده اند

## پروبر

در یکی از ایالات پرورش درخت بنوعی بسیار و در پارچه  
 یافته اند به سبب حیرت نازنین شده است یکی چوب  
 آن به بزرگای کلمه کاویده است و پارچه دیگر به بخت  
 باز در مرد قوی میگذارد هر پارچه را بنوعی دیگر برده  
 ضبط کرده اند

### فرانسه

در فرانسه آن شهر داده اند که تکرار حق است و  
 ریه و دولت چین است و از آنجا خارج شود و پیش ازین  
 کردن مخالفت با سده کرده و عجیب است و دولت چین است  
 در صنعت با فرانسه میکند و فرانسه را پادشاه اند  
 دولت فرانسه هر چه محتاط است و هر چه عیب خارج است  
 و هر چه رعایت می کنند بکنند باز و قریه و قریه

حق است مسلم است با را خواهد گرفت و عین است  
 و اعتراضات غیر متعصبانه دل بسیار در قریه چین  
 نخواهد کرد دولت فرانسه به دولت انگلیس است  
 کرد و دولت پرورش بگذرد و به دولت انگلیس است  
 روس مرافعه نمود و به دولت انگلیس تعقیب است  
 جزیره قبرس را نمود که او دخالت در کار فرانسه نماید  
 البته دولت انگلیس را سرفریه و اصلاح است  
 بجز فرانسه نخواهد که گفته اعتقاد ما این است و دین  
 قریه تکرار مقصود دولت انگلیس در سرفریه و نفع خود  
 نه رعایت می نماید همچنانکه به دولت چین میماند  
 اعتقاد در دولت فرانسه بعد از جنگ است و ضعیف  
 باقی مانده ایما این جمهور از جمهور است و در و  
 از ایالات اسوا کو معتبر است بطور حتم و قریه میگویند



معا به را که با فرائد برابر لایحه نفع خود در است  
 دیگران فتنه مکنه خلیع محترم می شماریم و بدعت  
 و وسوسه دیگران قریب به از آنجا که میخوریم

### عثمانی

جب الامر سلطان سید پادشاه و عارفان  
 و اموریت مخصوص کتاب نمره یس و دانه و برت  
 رسیده که غایت نمره را احداث بشود چه قدر  
 از ارض را محصور خواهد بود و نفع قریب را دست  
 دادن چه اندازه از زمین را فرا خواهد گرفت  
 در هر حال بدون فرمان سلطان حق تصرف  
 قبول نیست عثمانی نخواهد تا بمیل و لب اعلان  
 کرده اند رعایت فرمان سلطان شرط اقدام دارد

چنانچه و الا اسباب گفتو و فراموش خواهد شد

### مصر

اخبار صیحه کثیر از حیده مورخه ۱۳۵۵ ۱۵ نوامبر  
 رسیده که کاپتن مؤکرفیت قونول بخلیس مقیم سوآن  
 با قوتی در هم آمیخته بوده است با نمره تفهینه  
 قونول بنور از سوآن با پانصد نفر حرکت کرده بجا  
 رفته است بناگاه جسر از قونول محصور شد و بخود  
 همه قونول را بقصر رسیده اند و پانزده نفر فرستاد  
 و فرار کرده اند سکنه این شهر عجب جلد وطن کرده  
 و بجهت میروند قبیله در دستار سکنه دانه از توپ  
 و بمبصر پسته اند این قبیله دارا ریح و شمشیر  
 خاور است برده فروت اند در مصرین پان

کب منزل است غاب از عمل مهر شده و قبل  
متفرقه را آتش محو کرده و بطن مهر می  
کشند یا زده نقره با قونول منور درین جفت  
گشته شده و آنرا دو ماه آتش با صید قبضه کنند  
و در عراده توپ انگلیس مصرف عا کر مهر در آمده

## روبر

کیمیای است و عمارت مرمر نباشد است و در انوار  
جناب کیمیا بعد از آتش را بر پا کردند این عمارت  
عالی باشکوه بحکم کارین نامی از برادرین الف  
ساخته شد و در قریب از اینکه در او کمتر نمایه و فاسد  
کرد بعد از فوت او در آتش این عمارت مرمر را  
به دولت فروخته بدستایر بی توقع پادشاه

در این عمارت مرمر تا وقتی که مرده کنز است  
بعد عمارت مرمر ملک کرانه و گشتن پادشاه  
در سنه ۱۸۳۲ مسیح این عمارت مرمر در جزو عمارت  
سلطان محبوب گشت و کرانه و گشتن پادشاه  
پوش، بخیه شده در در سنگینه

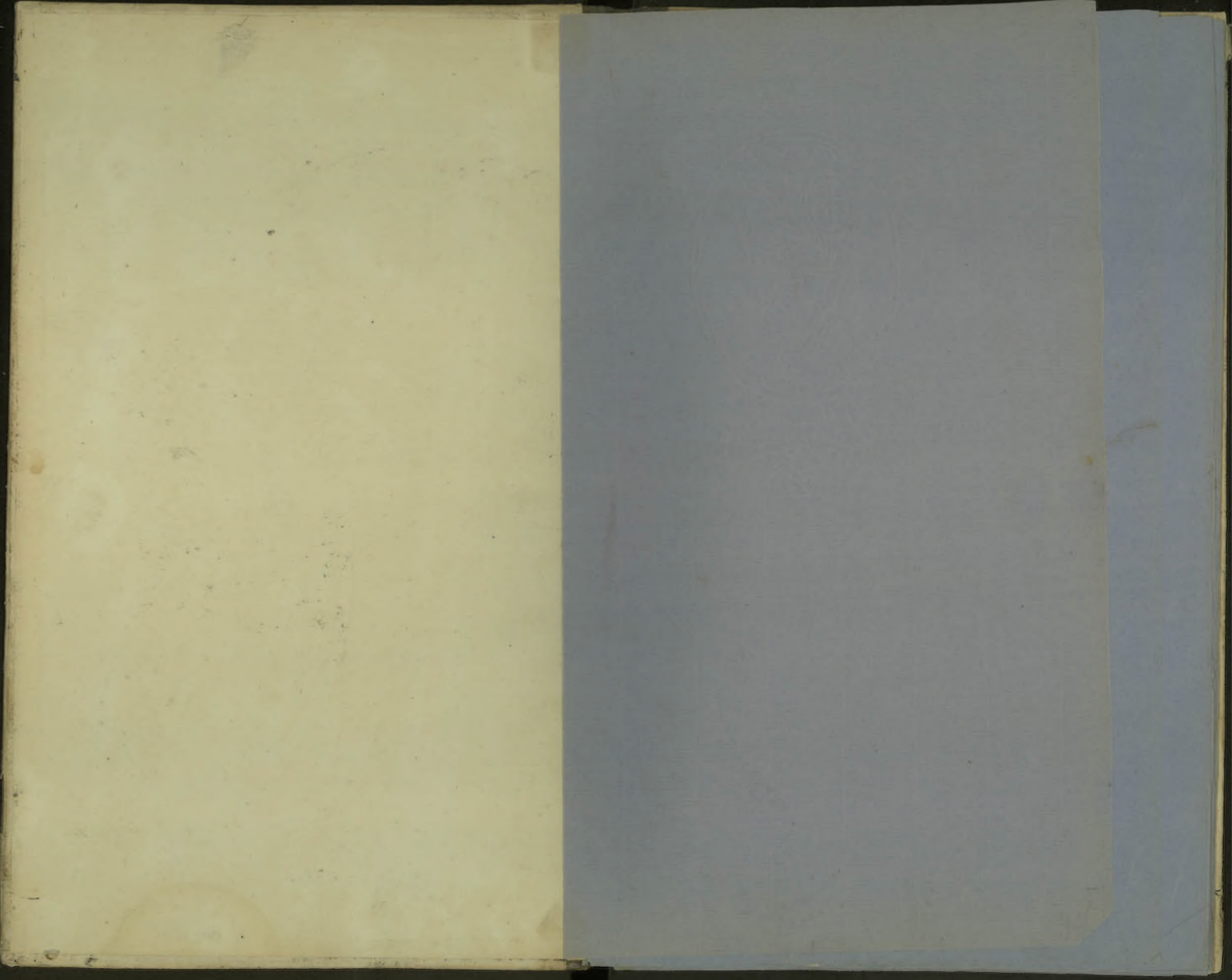
این عمارت بواسطه اختصاص بنا کموقع قیام بر  
عمارات دارد بهیچوجه خوب در او بکار زرقه  
کمر از برادر نامیش و کف اطاعتش و بالتر  
بنایش از مرمر است و برج و آینه سقف  
و پشته از سنگ مرمر است

## انگلیس



در روزنامه‌ی انجمن بر ما می‌نویسد  
 انجمن با قدر کفایت این است که مصر را  
 نیز و قوتش را به خط است و قوتش  
 و مال اندیش این است که تازه روی  
 داده است و عنایت تمام مصر خواه  
 فراتر گرفت که در زمانه  
 در روزنامه‌ی انجمن  
 تحریر









بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطاهرين  
الطيبين الطيبين

۱۰۸  
۲  
۳